

تحلیل ادبی و سبکی عاطفه خشم در قرآن کریم (مورد مطالعه سوره بقره)

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۱)

دکتر عزت ملاابراهیمی^۱
نورا زارعی^۲

چکیده

عواطف انسان به دو دسته اصلی و ثانویه تقسیم می‌گردند. براساس نظریات روانشناسان در باب عواطف، عاطفه‌ی خشم جزو عواطف اصلی انسان قرار می‌گیرد. در قرآن کریم برای هدایت انسان از ابعاد مختلف، احکام و اصولی وجود دارد. این احکام به شیوه‌های متفاوتی قابل بررسی می‌باشند. مهم‌ترین سوال ما در این مقاله این است که عوامل تاثیرگذار بر این عاطفه کدام‌اند؟ و فرضیه‌ی ما بر مبنای این است که این عوامل شامل کلماتی با بار معنایی منفی می‌باشند. بررسی آن‌ها در وهله‌ی اول شامل جمع‌آوری اطلاعات از تفاسیر و متون حدیث می‌باشد و سپس تحلیل آن آغاز می‌شود. در تحلیل ادبی سعی می‌گردد با نگاه به عوامل تاثیرگذار در شیوه‌ی کلام، معانی و دلالت‌های بیشتری یافت شود و به اهداف و احکام آیات نزدیک‌تر گشت. سوره‌ی بقره طولانی‌ترین سوره‌ی قرآن کریم می‌باشد و در آن احکام مختلفی وجود دارد. عاطفه‌ی خشم در این سوره در معنای کلمه‌ی «غضب» قرار دارد، که در آیات ۶۱ و ۹۰ این سوره قرار گرفته‌اند. در این آیات عوامل مختلفی برای وجود این عاطفه یافت می‌گردد و با بررسی آن‌ها درمی‌یابیم که کفر یکی از عوامل کلیدی آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل ادبی، عاطفه خشم، سوره بقره، غضب، احکام دلالتی.

۱. مقدمه

سوره‌ی بقره، طولانی‌ترین سوره‌ی قرآن کریم می‌باشد. بقره به معنای گاو ماده است. نام سوره‌ی بقره، به داستان گاو بنی اسرائیل اشاره دارد که در آیات ۶۷ تا ۷۳، از آن سخن گفته شده است. قرآن در این داستان «بهانه‌های بنی اسرائیلی» را نشان داده است. (مکارم

۱. استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) mebrahim@ut.ac.ir
۲. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران.

شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۵۹) فسطاط القرآن و سنّام القرآن، نام‌های دیگر سوره بقره است. همچنین این سوره و سوره آل عمران را با هم، زهراوان نامیده‌اند. (خرمشاهی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۱۲۳۶) سوره بقره، به ترتیب کتابت قرآن، دومین سوره و به ترتیب نزول، هشتاد و هفتمین سوره به شمار می‌رود. سوره بقره، اولین سوره از سوره‌های هفت‌گانه طُول و اولین سوره از سوره‌های ۲۹ گانه‌ای است که با حروف مقطعه آغاز شده است. (همان)

۱،۱- سوال تحقیق: نگارندگان به دنبال پاسخگویی به این سوال بوده‌اند که چه عواملی در آیات وجود دارند که بر این عاطفه تاثیر می‌گذارند و همچنین چه دلالت‌های معنایی را بدان می‌بخشند؟

۱،۲- فرضیه‌ی تحقیق: بر این مبناست که این دلالت‌ها شامل کلماتی با بار معنایی منفی می‌باشند.

۱،۳- روش تحقیق: در این مقاله آیات ۶۱ و ۹۰ سوره بقره که دارای ریشه‌ی کلمه‌ی غضب می‌باشند به روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ابتدا به بیان برخی از نظریات روان‌شناسان در باب خشم پرداخته می‌شود و سپس میان آن‌ها مقایسه انجام می‌گیرد. برای بررسی مفاهیم آیات ابتدا به تفاسیر مراجعه شده است که در راس آن‌ها تفاسیر مجمع البیان، تبیان و المیزان قرار دارند. سپس با استفاده از نظریه سبک‌شناسی ابعاد مختلف زبانی، ادبی و فکری آیات تبیین شده است؛ بدینگونه که آیات از ابعاد مختلف بررسی می‌گردد و ضمن بیان نکات بلاغی و ادبی، دلالت‌های معنایی آن‌ها نیز تبیین می‌شود.

۱،۴- پیشینه‌ی تحقیق: با توجه به بررسی‌های انجام شده درباره تحلیلی ادبی عاطفه خشم در قرآن کریم تاکنون پژوهش مستقلی تدوین نشده است. اما دیگر تحقیقات مشابه‌ای که در این راستا نوشته شده از این قرارند:

- داوود معماری و رسول زمردی، «خشم و مدیریت آن در قرآن کریم»، سراج منیر، ۱۳۹۴؛ نویسندگان در این مقاله بیان کرده‌اند که خشم یکی از اساسی‌ترین و فراگیرترین هیجان‌ها در وجود آدمی است و نقشی بسزایی در حفظ موقعیت، عزت نفس و صیانت از او در هنگام تهدید دارد. اما اگر تحت مدیریت عقلانی و اخلاقی قرار نگیرد، به مشکلی روانی و رفتاری تبدیل می‌گردد که سامان فکری، عاطفی و رفتاری وی را ویران می‌سازد. از نظر نگارندگان آنچه در مقوله خشم باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، شناخت گونه‌های مثبت و منفی خشم و مدیریت آن با ضوابط عقلانی و اخلاقی است.

- صدیقه رضایی دهنوی، «رابطه شناخت و هیجان در قرآن و روانشناسی»، پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم، ۱۳۹۶؛ نویسنده در این مقاله به بیان رابطه بین هیجان و شناخت پرداخته که توجه محققان روانشناسی را در طول تاریخ این رشته به خود جلب کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، هیجانها و عواطف مختلفی مثل غم، شادی،

خشم و اضطراب می‌تواند بر روی درک، قضاوت، استدلال، توجه، حافظه و تصمیم‌گیری افراد اثر بگذارد. از طرفی نوع قضاوت و ارزیابی افراد از محرک‌های محیطی می‌تواند نوع، شدت و تداوم هیجان را تعیین کند. همچنین از منظر قرآن، میان شناخت و هیجان رابطه‌ای دوطرفه برقرار است و جهت رفتار را تعیین می‌کند.

- مجتبی ترکاشوند و یحیی معروف، «تحلیل عاطفه غضب در خطبه‌های نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۱۳۹۷، نگارندگان در این پژوهش با بررسی عاطفه خشم در خطبه‌های مربوط به سرزنش کوفیان در نهج‌البلاغه دریافته‌اند که این خطبه‌ها به گونه‌ای است که خوانشگر با خواندن آنها سرشار از اندوه و خشم می‌شود و به خوبی این حس را لمس می‌کند. در واقع مخاطب با شنیدن این خطبه‌ها دستخوش همان حس و عاطفه مورد نظر می‌شود. زیرا عاطفه غضب در گزینش واژگانی با نظم‌آهنگ متناسب، تأثیر به‌سزایی داشته و امام (ع) در برونداد این عاطفه از تصویرگری هماهنگ با آن بهره برده است.

۲. داده‌های اصلی پژوهش:

۲-۱- عاطفه خشم از دیدگاه روان‌شناسی و اهل بیت (ع)

در وجود انسان هیجان‌ها و عواطف بسیاری وجود دارد که بیشتر روان‌شناسان در نظریات خود خشم را جزو احساسات اصلی می‌دانند. در کتاب انگیزش و هیجان مارشال ریو می‌خوانیم که جک پنکسب چهار هیجان ترس، خشم، وحشت و انتظار را معرفی می‌کند و نانسی استین و تام ترابوسو بر چهار هیجان شادی، غم، خشم و ترس تأکید دارند. سیلوان تامکینز شش هیجان علاقه، ترس، تعجب، خشم، اندوه و شادی را مشخص می‌کند و رابرت پلاچیک از هشت هیجان خشم، نفرت، غم، تعجب، ترس، تایید، شادی و انتظار نام می‌برد. (مارشال ریو، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۲۶)

همانطور که می‌بینیم در همه‌ی نظریات، هیجان خشم مشترک است و از آن به عنوان هیجان اصلی نام برده می‌شود. روان‌شناسان در تعریف خشم گفته‌اند: «خشم هیجانی فراگیر است» (آوریل، ۱۹۸۲م، ص ۳۵). هنگامی که افراد جدیدترین تجربه‌ی هیجانی خود را توصیف می‌کنند، خشم هیجانی است که بیشتر به ذهن می‌آید (شرر و تاننام، ۱۹۸۶م، ۲۸). اساس خشم این عقیده است که اوضاع آن گونه که باید باشد نیست و انسان در راه رسیدن به اهداف خود با مانع، اختلال و یا انتقاد مواجه است. (مارشال ریو، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۳۱)

خشم پر شورترین هیجان است. آدم خشمگین، قوی‌تر و نیرومندتر می‌شود. خشم احساس کنترل افراد را نیز افزایش می‌دهد (لرنر و کلتنر، ۲۰۰۱م، ۱۰). خشم نه تنها پرشورترین هیجان انسانهاست، بلکه خطرناک‌ترین هیجان نیز به شمار می‌آید، چندانکه هدف آن نابود کردن موانع در محیط زندگی آنهاست. (مارشال ریو، ۱۳۸۹ش، ص ۳۳۱)

روان‌شناسان خشم را نوعی عاطفه می‌دانند که در انسانها بیش و کم وجود دارد و در همه مراحل حیات با شدت و ضعف با آدمی همراه است. برخی از روانشناسان آن را به عنوان غریزه‌ای طبیعی در انسان می‌شناسند که دارای منشأ زیستی و فیزیولوژیکی است و درجه ضعف یا شدت آن به میزان ترشح غده‌های درونی بستگی دارد. حالت خشم و غضب هر چندگاه در زندگی انسانها بروز می‌کند و موجب پدید آمدن دگرگونی‌هایی در احوال و رفتار آدمی و تنوع در زندگی او می‌شود. آدمی در سایه آن قدرت و نیرویی در خود می‌یابد که آن را در راه هدف و مقصدی که می‌خواهد به کار می‌برد. وجود خشم به میزان متعادل و کنترل شده در آدمی ضروری است، ولی وقتی صورت افراطی به خود بگیرد نوعی ابتلا و گرفتاری است و موجب رنجها و نابسامانیهای بسیار می‌شود که باید درمان گردد. (قائمی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۳۸)

طبق نظریه‌ی فروید که به نظریه روان‌تحلیلگری معروف است، پرخاشگری در انسان نماینده‌ی «غریزه‌ی مرگ» است که در مقابل «غریزه‌ی زندگی» در فعالیت است، یعنی در حالی که غریزه زندگی انسان را در جهت ارضای نیازها و حفظ بقا هدایت می‌کند، غریزه‌ی مرگ به صورت پرخاشگری می‌کوشد تا به نابود کردن و تخریب آن بپردازد. این غریزه چنانچه بتواند دیگران را نابود می‌کند و از بین می‌برد و اگر نتواند دیگران را هدف پرخاشگری و تخریب قرار دهد. گاه زیان این غریزه متوجه خود انسانها می‌شود و به صورت خودآزاری یا خودکشی جلوه‌گر می‌شود. بنابراین از نظر فروید، خشم و پرخاشگری، حالتی مخرب و منفی در انسان است. (کریمی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۰۷)

لورنز با وجود آنکه مانند فروید خشم و پرخاشگری را ذاتی می‌داند، برخلاف وی آن را سازنده و مثبت تلقی می‌کند. وی خشم و پرخاشگری را ناشی از غریزه‌ی مبارزه طلبی می‌داند که در میان انسانها و بسیاری از موجودات کره زمین مشترک است. (همان)

در روایات اهل بیت علیهم السلام، خشم و غضب احساس منفی و منفوری تلقی شده است که انسان باید از آن دوری کند. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: *أَلَا إِنَّ خَيْرَ الرَّجَالِ مَنْ كَانَ بَطِيءَ الْغَضَبِ سَرِيعَ الرَّضَا*. (بدانید که بهترین انسان‌ها کسانی هستند که دیر به خشم آیند و زود راضی شوند). (نهج الفصاحه، ص ۲۴۳، ح ۶۶۹) همچنین در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرموده‌اند: *لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ*. (کسی که هنگام خشم خوددار نباشد، از ما نیست). (کافی، ج ۲، ص ۶۳۷، ح ۲) امام محمد باقر (ع) نیز در این باره می‌فرماید: *مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ*. (کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند نیز در روز قیامت عذابش را از او باز می‌دارد). (همان، ص ۳۰۵، ح ۱۵)

همانطور که می‌بینیم این سه حدیث در باب کنترل خشم است و این اثبات می‌کند که خشم احساسی منفی است و باید از آن دوری نمود. این مساله با برخی از نظریات

رروانشناسی مانند نظریه‌ی فروید که در قسمت بالا گفته شد نوعی هم خوانی دارد. امام علی (ع) در این باره فرموده‌اند: **بِئْسَ الْقَرِينُ الْغَضَبُ: يُبْدِي الْمَعَائِبَ وَيُذِنِي الشَّرَّ وَيُيَاعِدُ الْخَيْرَ.** (بد هم‌نشینی است خشم: عیب‌ها را ظاهر می‌سازد، شر را نزدیک می‌سازد و خیر را دور می‌گرداند.) (غرر الحکم، ج ۳، ص ۲۴۷، ح ۴۴۱۷) در این حدیث نوعی تعریف از خشم وجود دارد که بر منفی بودن آن نیز دلالت می‌کند. بر اساس این حدیث که می‌فرماید خشم، شر را نزدیک می‌سازد و خیر را دور می‌گرداند، می‌توانیم این گفته را با نظر مارشال ریو که گفته است خشم خطرناک‌ترین هیجان است، شبیه بدانیم.

۲.۲- آیات سوره‌ی بقره در باب غضب

در سوره‌ی بقره سه بار از کلمات با ریشه‌ی کلمه‌ی غضب به کار برده شده است، که در دو آیه‌ی ۶۱ و ۹۰ این سوره قرار دارند. در کل قرآن کریم ۲۴ بار از کلمات با ریشه‌ی کلمه‌ی غضب به کار برده شده است که در سوره‌ی بقره ۱۲/۵ درصد آن جای می‌گیرد. خشم جزو احساسات اصلی است و کثرت این درصد در بزرگترین سوره‌ی قرآن، اهمیت آن را بیان می‌دارد و نیز بر آن تاکید می‌کند.



در این سوره کلمه‌ی غضب با فعل باءوا آمده است که در هر دو آیه این مسأله دیده می‌شود.

احساس خشم در این سوره، که در کلمه‌ی غضب آمده است، در هر دو آیه از سمت پروردگار می‌باشد، در نتیجه این احساس فقط در صورت وجود داشتن از سمت خداوند و به تبعیت دستورات او جایز است. همچنین ما می‌دانیم که سوره‌ی بقره که بلندترین و مهم‌ترین سوره‌ی قرآن کریم است، شامل احکام بسیاری می‌شود و توضیح درباره‌ی خشم در آن حکم کلی ای را صادر می‌کند و جایگاه آن را به وضوح بیان می‌دارد. لزوم داشتن این

احساس در گروهی دستورات پروردگار است که البته در مورد احساسات دیگر نیز صدق می‌کند.

اولین آیه‌ای که در این باب مورد بررسی قرار می‌گیرد آیه‌ی ۶۱ این سوره است:
وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلَهَا * قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ * اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ * وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ * ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

بر اساس معجم المعانی قرآن کلمه باءوا معنای بازگشتن و استحقاق داشتن را می‌دهد. همچنین بر اساس تفاسیر قرآن، آنها در منزلت و جایگاه خشم خداوند قرار گرفتند؛ که در مجمع البیان طبرسی نیز گفته شده است. همچنین طبرسی کلمه‌ی فوم را بر اساس روایتی از امام محمد باقر (ع) به معنای گندم (نان) گرفته است و از قول کسانی گفته است که فوم همان ثوم یعنی سیر می‌باشد. طبرسی معنای خشم را اراده‌ی ضرر رساندن به فرد مورد خشم واقع شده دانسته است. همچنین واژه نبی را از کلمه نبأ دانسته که آن را خبر دهنده از سمت خداوند می‌داند. در عبارت باءوا بغضب من الله گفته است که خشم خداوند بر آنها واجب شده است. همچنین گفته است که برخی می‌گویند خشم در این دنیا همان بلا و بدبختی به جای آسایش و نعمت است. برخی دیگر می‌گویند که خشم در آخرت به معنای سزای گناهان آنها می‌باشد. وی در توضیح یکفرون بآیات الله گفته است که آیات خداوند بیانات اوست که در عبارت باءوا بغضب علی غضب، اولی به خاطر کفرشان بر حضرت عیسی (ع) و کتاب انجیل و دومی به خاطر کفرشان به حضرت محمد (ص) و کتاب قرآن می‌باشد. همچنین گفته شده است که آیات الله صفت حضرت محمد (ص) می‌باشد. از این رو در توضیح یقتلون النبیین بغیر حق گفته است یعنی بدون (داشتن) جرم مانند حضرت زکریا و حضرت یحیی و دیگر پیامبران. (طبرسی، ۲۰۰۵م، ص ۱۶۵-۱۷۰)

در تبیان شیخ طوسی درباره‌ی طعام واحد از قول اهل تفسیر گفته است که همان سلوی می‌باشد و در قولی از ابن منه گفته است که (آن) نان پاک به همراه گوشت بوده است. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۴)

در تفسیر علامه طباطبائی از تفسیر عیاشی آورده است که در توضیح ذلک بانهم کانوا یکفرون بآیات الله از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که درباره‌ی عبارت ذلک بانهم کانوا یکفرون بآیات الله و یقتلون النبیین بغیر حق ایشان فرموده‌اند به خدا سوگند آنها را با دست هایشان نزدند و با شمشیر هایشان نکشتند اما گفتارهای آنها را شنیدند سپس آن را پخش کردند و مانع انجام آن شدند و آنها کشته شدند پس همانا آن قتل و تجاوز و مصیبت شد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۲) در تفسیر صافی کاشانی درباره معنی ذله

و مسکنه گفته شده که ذلت همان جزیه، و مسکنه فقر است و درباره عبارت باءوا بغضب من الله گفته است که خشم و نفرین از سوی خداوند بر آنها تحمیل شد. (کاشانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳)

در تفسیر نمونه گفته شده است: «به دنبال مواهب فراوانی که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشت، این آیه چگونگی کفران و ناسپاسی آنها را در برابر این نعمتهای بزرگ منعکس می کند و نشان می دهد که آنها چه مردمان لجوجی بوده اند که شاید در طول تاریخ مانند آنها دیده نشده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۸۸).

از آیهی ۴۷ سورهی بقره، قوم بنی اسرائیل مورد خطاب قرار می گیرند. خداوند نعمت هایی را که به آنها داده و نجات دادن آنها از فرعون را بازگو می کند که در جواب آنها همیشه کفر نعمت وجود داشت. ابتدای آیهی ۶۱ سورهی بقره (لن نصبر علی طعام واحد) به آیهی ۵۷ سوره بقره اشاره دارد که در آنجا خداوند می گوید که از آسمان من و سلوی برای آنها فرورستادیم. این داستان نیز مانند داستان های دیگر قوم بنی اسرائیل از جمله بهانه جویی های آنها می باشد و کفر آنها به نعمت های خداوند را بیان می کند. قطعاً این کفر نعمت گناه بزرگی زیرا در جواب آن فعل اهبطوا آورده می شود. همانطور که در آیهی ۳۶ این سوره در جواب عمل حضرت آدم (ع) این فعل استفاده شد (فأزلهما الشیطان عنهما فاخرجهما مما كانا فیه و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو). در واقع می توانیم آن را نتیجه فریب شیطان بدانیم. همچنان که خداوند در آخر آیه ۶۱ نیز به مسئله کفر و گناه آنها اشاره کرده است. مشابه آیهی ۶۱ این سوره، قوم بنی اسرائیل در آیهی ۵۵ سورهی بقره در ابتدای آیه می گویند ایمان نمی آوریم (و اذ قلتم یا موسی لن نؤمن ..) همچنین در ابتدای آیه ۶۱ می گویند ما صبر نمی کنیم (و اذ قلتم یا موسی لن نصبر..). که در نتیجه، نداشتن ایمان و نداشتن صبر آنها را ثابت می کند و در ادامه اثبات می شود که درخواست های آنان بی دلیل و از روی کفر بوده است به همین علت است که به عنوان بهانه تعبیر می شوند.

ابتدای این آیه با عبارت : و اذ قلتم (و هنگامی که گفتید) شروع می شود که نشان می دهد این بار هم از نمونه هایی است که قوم بنی اسرائیل بهانه جویی کردند و کفر ورزیدند. در این آیه افعال بسیاری را داریم که به روند داستان و استمرار بودن آن کمک می کند و برای ما مرحله به مرحله توضیح می دهد. در این آیه تناسب های بسیاری را داریم که بین کلمات طعام، تنبت، أرض، بقلها، قثائها، فومها، عدسها و بصلها وجود دارد و ضمیر ها چندین بار تکرار می شود که به کلمه أرض بازمی گردد. در این آیه قوم بنی اسرائیل در جایگاه خشم خداوند قرار گرفتند که این حالت به عنوان فعل نیامده است بلکه فعلی قبل از آن برای قوم بنی اسرائیل آورده شده است که استحقاق آنها را در آن جایگاه نشان می دهد و سپس کلمه ی غضب را به شکل اسم آورده می شود و عبارت من الله پس از آن می آید. (یعنی خداوند در آیه نمی گوید غضب الله عنهم بلکه می فرماید فباءوا بغضب من الله تا اثبات گردد

آن‌ها خود با اعمالشان در این جایگاه قرار گرفتند) سپس سریعاً دلیل آن آورده می‌شود و با کلمه‌ی ذلک شروع می‌شود و کفر آن‌ها را نسبت به آیات خداوند بیان می‌کند (که در آیه های قبل نیز به نمونه هایی از کفرشان اشاره شد) و قتل پیامبران بدون داشتن حقی (که در ادامه‌ی آن کفر، انجام گرفته است و کفر لازمه‌ی آن است) بعد از آن دوباره کلمه‌ی ذلک می‌آید که باز دلیل آن دو را واضح تر می‌کند (که در اینجا پس از آوردن دلیل در ذلک اول، چگونگی آن را در ذلک دوم و ذات کارهای آنها را آشکار می‌سازد) که بخاطر آنچه عصیان کردند (کفر و عمل نکردن به دستورات پیامبران) و از حق خود تجاوز می‌کردند (در بسیاری از چیزها که از حق خود تجاوز می‌کردند و از نمونه‌ی آن این بود که منجر به قتل پیامبران می‌شد).

در این آیه ویژگی‌های قوم بنی اسرائیل را خداوند در قالب افعال می‌آورد و این دلالت بر حدث و استمرار داشتن آنها دارد که البته جواب اعمال آنها نیز در قالب فعل آورده می‌شود. ویژگی‌های قوم بنی اسرائیل: این ویژگیها عبارتند از: صبر نکردن (لن نصبر)، ترجیح بد به خوب (أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر)، درخواست (بیهوده) کردن (ما سألتم)، کفر ورزیدن (یکفرون)، کشتن انبیا (یقتلون النبیین)، عصیان کردن (عصوا)، تجاوز کردن از مرزهای الهی (یعتدون).

نتیجه‌ی اعمال قوم بنی اسرائیل: قوم بنی اسرائیل در نتیجه اعمال ناشایست خود مستوجب این عذابها شد: هبوط کردن (اهبطوا)، وارد شدن ذلت و فقر بر آنها (ضربت علیهم الذله والمسکنه)، در جایگاه خشم خداوند قرار گرفتن (فباءوا بغضب من الله).

آخرین نتیجه‌ی اعمال آنها قرار گرفتن در مقام غضب الهی است که سخت‌ترین جایگاه می‌باشد و این خود باعث می‌شود که بزرگترین عذاب الهی بر آنها وارد گردد. البته می‌بینیم به غیر از نمونه داستان‌های بهانه جویی‌های آنها، دلیل قرار گرفتن آنها در این جایگاه سخت، بسیار فراتر و عمیق تر از آن مثال‌ها می‌باشد به همین دلیل خداوند دلایل آنها را ذکر می‌کند که بر همگان روشن شود. در نتیجه، این عذاب بزرگ در جواب گناهان بزرگ است.

آیه‌ی ۶۱ سوره بقره شیوه‌ی داستانی و حواری (سبک گفت و گو) دارد. این آیه با عبارت "و اذ قلتم" شروع می‌شود و مخاطب است و سپس گفته‌ی بنی اسرائیل می‌آید که خطاب به حضرت موسی (ع) است و در ادامه حضرت موسی (ع) السلام خطاب به آنها پاسخ می‌دهد و در آخر نیز التفاتی دیگر رخ می‌دهد که خداوند نتیجه‌ی کارهای آنها را در ضمیر غایب توضیح می‌دهد. بنابراین در این آیه یک داستان کوتاه و کامل وجود دارد. این داستان از شخص سوم (خداوند) روایت شده است و در آن اسلوب حوار (سبک گفت و گو) وجود دارد. همانطور که در نتیجه گفته شد یکی از ویژگی‌های قوم بنی اسرائیل درخواست‌های بیهوده‌ی آنها بود که خداوند در این آیه خواسته‌ی آنها را در مورد غذا به طور کامل و با کلمات جدا بیان می‌کند

و هر کدام را جداگانه نام می‌برد: بقلها و قثائها و فومها و عدسها و بصلها) تا بر همگان بیهوده بودن آن ثابت شود و بار دگر بر بهانه‌جویی های آنها تاکید شود. سپس حضرت موسی (ع) در جواب آنها می‌گوید که بدتر را با بهتر عوض می‌کنید و به آن ترجیح می‌دهید (اتستبدلون الذی هو ادنی بالذی هو خیر) که این خود بهانه‌جویی و بیهوده بودن درخواست آنها را نیز ثابت می‌کند. یکی دیگر از دلایلی که باعث می‌شود درخواست بیهوده‌ی آنها نمایان شود جواب آخر درخواست آنهاست که در عبارت "فان لکم ما سالتم" می‌آید. این عبارت کوتاه و صریح آورده می‌شود و از نام بردن خواسته‌های آنها خودداری می‌کند و تمام آنها را در کلمه‌ی "ما" خلاصه می‌کند، که کم اهمیت بودن درخواست آنها را نشان می‌دهد.

همانطور که گفته شد یکی دیگر از ویژگی‌های قوم بنی اسرائیل کفر ورزیدن آنها بود که در این آیه کلمه‌ی «یکفرون» استفاده شده است و علاوه بر آن با توجه به عبارت «یا موسی ادع لنا ربک»، قوم بنی اسرائیل پروردگار موسی را هنوز پروردگار خود نمی‌دانند و به خدای او ایمان ندارند.

با توجه به عبارت «یخرج لنا مما تنبت الأرض» (از آنچه که از زمین می‌روید برای ما خارج کند) تاکید بر این می‌شود که خداوند از آسمان برای آنها غذا نازل می‌کرده است که آنها بعد از آن، این درخواست را از حضرت موسی (ع) داشتند. در پاسخ حضرت موسی (ع) (أتستبدلون الذی هو ادنی بالذی هو خیر) متوجه می‌شویم که آنچه که خداوند از آسمان نازل می‌کند بهتر می‌باشد و می‌توانیم «أدنی» را صفت آنچه که از درون زمین می‌روید بدانیم و «خیر» را صفتی برای آنچه که خداوند از آسمان نازل می‌کند.

آیه‌ی بعدی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، آیه‌ی ۹۰ این سوره می‌باشد:

بِسْمَاِ شْتَرَوْاْ بِهٖ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَّكْفُرُوْا بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بَغِيًّا اَنْ يُّنَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ * فَبَآءُوا بِغَضَبِ عَلٰى غَضَبٍ * وَلِلْكَافِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِیْنٌ

در آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی بقره دو بار از کلمه غضب (خشم) استفاده شده است. در تفسیر مجمع البیان طبرسی در معنای «بما انزل الله» گفته شده است که منظور قرآن و اسلام نازل شده بر پیامبر اکرم می‌باشد. وی بغیا را حسادت به حضرت محمد (ص) دانسته زیرا که او از نوادگان حضرت اسماعیل می‌باشد و دیگر پیامبران از بنی اسرائیل بوده‌اند. همچنین در عبارت «أن ينزل الله من فضله علی من يشاء من عباده» منظور از فضل همان وحی و نبوت است. در عبارت «باءوا بغضب علی غضب» برای توضیح آن دو غضب ۴ احتمال گفته شده است:

۱- اینکه غضب برای هنگامی است که آنها از کتاب تورات ایراد گرفتند و غضب دوم برای هنگامی است که به حضرت محمد (ص) کفر ورزیدند.

۲- اینکه غضب اول برای هنگامی است که گوسفند را عبادت کردند و غضب دوم برای هنگامی که به حضرت محمد (ص) کفر ورزیدند.

۳- اینکه غضب اول برای هنگامی است که به حضرت عیسی (ع) کفر ورزیدند و غضب دوم هنگامی که به حضرت محمد (ص) کفر ورزیدند.

۴- اینکه غضب برای تاکید و مبالغه تکرار شده است.

در معنای «للكافرين عذاب مهين» گفته است که برای انکار کنندگان نبوت حضرت محمد (ص) عذابی خوار کننده است. وی در معنای مهین گفته است که آن چیزی است که صاحبش را ذلیل می کند و آبروی او را می برد و لباس خواری بر او می پوشاند. (طبرسی، ۲۰۰۵م، ص ۲۱۹-۲۲۰)

در تفسیر تبیان شیخ طوسی علاوه بر گفتن اینکه آنها حسادت می ورزیدند که پیامبری از غیر آنها بود، بغیا را مفعول له دانسته و معنای آن را فسادا می داند. (از روی فساد، بخاطر فسادشان) وی می گوید که می تواند شدت درخواست کردن و دست درازی باشد. همچنین «أن ينزل الله» را به معنای «لأن ينزل الله» دانسته و هر آنچه که در قرآن است. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۴۹)

در تفسیر میزان علامه طباطبائی عبارت «بئس ما اشتروا» را بیان آن گفته است که به علت کفرشان بعد از دانستن بوده و تنها دلیل آن بغی و حسادت است و بغیا را مفعول مطلق نوعی می داند. عبارت «أن ينزل الله» نیز متعلق به آن (یعنی بغیا) است. وی غضب را به علت کفرشان به قرآن و «علی غضب» را به علت کفرشان از قبل به تورات دانسته است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۰)

در تفسیر صافی کاشانی در توضیح عبارت «بئس ما اشتروا به انفسهم» گفته شده است که خداوند برای آنها نعمت های آخرت را می خواست اما آنها آن را در راه دشمنی با رسول خدا هدر دادند تا در این دنیا عزت یابند. در عبارت «أن يكفروا بما أنزل الله» گفته است که به تصدیق حضرت محمد (ص) از جانب حضرت موسی (ع) کفر ورزیدند. بغیا را نیز به معنای حسادتشان گرفته است. همچنین بیان کرده «أن ينزل الله من فضله علی من يشاء من عباده» منظور نزول قرآن بر پیامبر و نمایان کردن نبوتش در آن و ظاهر کردن نشانه اش و معجزه اش و فضایل اهل بیتش در آن می باشد. (کاشانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۹)

در تفسیر بیان السعاده جنابذی گفته شده ممکن است منظور از بما أنزل الله، فضیلت علی (ع) در قرآن باشد. (جنابذی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۱۵)

بر اساس چند آیه قبل از آیه ۹۰ سوره ی بقره، یعنی آیه ۸۷ آن سوره (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ * وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ * أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ) مخاطب این آیه (یعنی آیه ۹۰ که در ادامه ی آن می باشد) شامل بنی اسرائیل و قوم یهود می شود. این آیه با فعل ذم شروع می گردد و نتیجه ی اولیه ی اعمال آنها را ابتدا بیان می کند (بئسما اشتروا

به انفسهم) و بعد دلیل این امر را توضیح می‌دهد (ان یکفروا بما انزل الله بغیا ..) و نتیجه‌ی ثانوی آن جایگاهی است که نسبت به خداوند قرار می‌گیرند (فباءوا بغضب علی غضب) سپس نتیجه‌ی آخر، مجازات آنها می‌باشد (و للکافرین عذاب مهین).

در آخر آیه‌ی ۸۸ سوره، عبارت «بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما یؤمنون» آمده است که در آن از واژه‌های لعن و کفر استفاده شده، سپس در آیه‌ی بعدی یعنی آیه‌ی ۸۹ دو بار فعل کفروا آورده می‌شود و در آخر آن عبارت «لعنة الله علی الکافرین» می‌آید که همچنین کلمه‌ی لعن و کفر در آن وجود دارد. در آیه‌ی ۹۰ علاوه بر داشتن فعل یکفروا آخر آیه نیز با عبارت «للكافرین عذاب مهین» ختم می‌شود. این آیات از لحاظ معنایی در یک راستا قرار دارند و این امر تاکید و استمرار آن را بیان می‌کند.

در این آیه اشتقاق در کلمات انزل و ينزل و همچنین در یکفروا و کافرین وجود دارد. کلمه‌ی الله دو بار تکرار شده است و واج «ب» در این آیه بسیار دیده می‌شود. بین کلمات بغیا، غضب و عذاب نوعی تناسب آوایی وجود دارد و همگی معنای منفی را تداعی می‌کنند. این معنا برای کسانی است که کفر ورزیده‌اند و در این آیه درباره‌ی آنها توضیح داده می‌شود.

در این آیه کلمه‌ی غضب نه تنها دو بار آورده می‌شود بلکه در عبارت «بغضب علی غضب» (خشمی بر خشم دیگر) می‌آید که شدت آن را دو چندان می‌کند. در این آیه ۷ فعل وجود دارد که استمرار و حدوث را بیان می‌دارد.

در عبارات «أن ينزل الله من فضله علی من یشاء من عباده» و «فباءوا بغضب علی غضب و للکافرین عذاب مهین» دو تصویر متفاوت و متضاد از جایگاهی که بنده نسبت به خداوند متعال قرار می‌گیرد وجود دارد که هر دو آنها با هم در یک آیه بیان می‌شوند. این امر بر کثرت معانی در این آیه دلالت می‌کند.

۲.۳. تحلیل سبک‌شناسانه آیات غضب

در سطح زبانی از نظر آوایی تکرار (که هم شامل تکرار واج می‌شود و هم شامل تکرار کلمات) در این آیات سبب شده است که توجه مخاطب جلب شود. در سطح لغوی این آیات مشاهده می‌کنیم که بسیاری از کلمات استفاده شده معنای منفی را تداعی می‌کنند و این خود دلالت بر منفی بودن جایگاه این عاطفه می‌باشد. در آیه‌ی اول یعنی آیه‌ی ۶۱، ۱۲ کلمه و در آیه‌ی دوم یعنی آیه‌ی ۹۰، ۸ کلمه وجود دارند که مستقیماً معنای منفی را تداعی می‌کنند. کثرت وجود این کلمات باعث می‌شوند که منفی بودن و سختی قرار گرفتن در این جایگاه ثابت شود. در سطح نحوی این آیات کثرت فعل وجود دارد که دلالت بر حدوث و استمرار می‌کنند. در سطح ادبی آیات می‌بینیم که صنایع التفات علاوه بر جلب توجه مخاطب به روند داستانی بودن آن نیز کمک کرده است. داستانی بودن آیات سبب می‌شود که این آیات در ذهن مخاطب باقی بمانند. در بسیاری از موارد بین کلمات تناسب

وجود دارد و تضادها در معانی عبارات و در تصاویر می‌گیرند. در آیات مربوط به خشم در این سوره، ابتدا از آیه‌های قبلی آن زمینه‌سازی انجام می‌گیرد. این زمینه‌سازی برای بیان مخاطب و بیان داستان به طور کامل می‌باشد، زیرا که مصادیق کفر و چگونگی قرار گرفتن در جایگاه خشم باید به طور کامل بیان گردد. این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا که عذاب سخت را به دنبال خود دارد. در سطح فکری این آیات متوجه می‌شویم که قرار گرفتن در جایگاه خشم، عذاب سختی را به دنبال دارد به طوری که می‌توانیم خود آن جایگاه را، جایگاه عذاب بدانیم زیرا که قطعاً عذاب را به دنبال خود دارد.

نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد، یکی از موضوع‌های اصلی مورد بحث در سوره‌ی بقره، داستان‌های قوم بنی اسرائیل است. در این سوره خداوند از نعمت‌هایی که برای آن‌ها نازل کرده است سخن می‌گوید. سپس واکنش آن‌ها را نسبت به این نعمت‌ها بیان می‌کند، که تمامی آن‌ها دلالت بر کفرشان دارد. از جمله رفتارهایی که آن‌ها در مقابل خداوند انجام داده‌اند: قتل پیامبران، ناسپاس بودن در برابر نعمت‌ها، کفر به خداوند، پرستش گوسفند، تکذیب پیامبران و... می‌باشد که در این سوره بیان شده است. در واقع واژه‌ی کفر در این سوره توضیح داده شده است و مصادیق مختلف آن بیان شده، تا این مسئله‌ی مهم، گنگ و نامفهوم نماند. خداوند درباره‌ی کسانی که در جایگاه خشم او قرار گرفته‌اند با بیان کردن اعمال آن‌ها توضیح کامل می‌دهد. این آیات شامل داستان، مثال، نیت‌ها و گفتارهای آن‌ها در شرایط مختلف می‌باشد. در اینجا کفر کلید واژه‌ی مهمی است. زیرا که کافران در این جایگاه قرار می‌گیرند. همانطور که گفته شد مصادیق کفر به طور کامل بیان شده است، در نتیجه، این جایگاه، یعنی جایگاه خشم که بسیار جایگاه سختی است، به گونه‌ای تفهیم شده است که متوجه شویم چه کسانی در این جایگاه قرار می‌گیرند.

مخاطب این آیات که افراد موجود در این طبقه را شامل می‌شود، افرادی از قوم بنی اسرائیل، از یهودیان و از کافران می‌باشند که البته داشتن صفات آن‌ها باعث می‌شود که از نظر قرآن کریم در آن جایگاه قرار گرفت. خداوند در این آیات صفات آن‌ها را بیان کرده و نتیجه‌ی اعمال آن‌ها را نیز آورده است. به این ترتیب نتیجه‌ی بسیاری از اعمال در این آیات بیان می‌شوند. به طور خلاصه‌ی مرحله‌ی که منجر شد این افراد در جایگاه خشم قرار بگیرند به شرح زیر است:

بر اساس آیه‌ی اول (یعنی آیه‌ی ۶۱ سوره):

عدم صبر ← بهانه‌جویی ← ذلت ← کفر و عصیان ← خشم خداوند

بر اساس آیه‌ی دوم (یعنی آیه‌ی ۹۰ سوره):

حسادت ← کفر ← قرار گرفتن در جایگاه خشم خداوند ← عذاب خداوند

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳ ش)، نهج الفصاحه، قم، نشر انصاریان.
- تمیمی آمدی (۱۳۷۸ ش)، غررالحکم و دررالکلم، جلد سوم، مترجم سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- جنابذی، سلطان محمد (۱۴۰۸ ق)، بیان السعاده فی مقامات العبادة، المجلد الاول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۹۲ ش)، قرآن کریم ترجمه مقابل، نشر دوستان.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، الجزء الاول، بیروت، موسسه الاعلی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- طبرسی، امین الاسلام ابی علی فضل بن حسن (۲۰۰۵ م)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد الاول، بیروت، نشر دارالعلوم، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، المجلد الاول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قائمی، علی (۱۳۶۸ ش)، ترس و اضطراب در کودکان، انتشارات امیری.
- کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۹ ق)، الصافی فی تفسیر القرآن، الجزء الاول، طهران، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الاولى.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۵ ش)، روان شناسی اجتماعی، تهران، نشر ارسباران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ ش)، اصول کافی، جلد ۲، تهران، ناشر جهان آرا.
- مارشال ریو، جان (۱۳۸۹ ش)، انگیزش و هیجان، مترجم یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش، چاپ چهاردهم.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۸۶ ش)، برگزیدهی تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- Averill, J.R. (1982). Anger and aggression: An essay on emotion. New York: Springer Verlag.
- Lerner, J.S. and Keltner .D. (2001). Fear, Anger and Risk. Journal of Personality and Social Psychology, 28, 129-137.
- Scherer, K.R. and Tannen Baum, P.H. (1986). Emotional experience in everyday life. Motivation and Emotion, 10, 295-314.

سال دوم

شماره دوم

پیاپی: ۴

بهار و تابستان

۱۳۹۸